

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۴۰۴ (ص ۱ - ۱۵)

دریافت: خرداد ماه ۱۴۰۴ پذیرش: تیر ماه ۱۴۰۴

بررسی اعتبار اسنادی (LC) در حقوق موضوعه ایران و حقوق بین الملل با تکیه بر جایگاه قانونگذاری ملی

Examination of the Letter of Credit (LC) in Iranian Municipal Law and International Law with Emphasis on the Role of National Legislation

✍ عاطفه خسروی / کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان ایران.

Atefeh Khosravi/ A graduate of the Master's degree in private law from the Islamic Azad University, Kerman Branch.

atefehkhosravi1366@gmail.com

✍ سید محمد مصطفی حسین الحسینی / کارشناس حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.

Seyyed Mohammad Mostafa Hossein Al-Husseini/ Legal Expert, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Sistan and Balochistan, Iran.

hosseinalhosseini1362@gmail.com

Abstract

The Letter of Credit (LC), a vital and reliable payment tool in international trade, plays a crucial role in facilitating commercial transactions and reducing risks stemming from uncertainties between contracting parties. This legal institution, by establishing an independent and dependable obligation for the issuing bank, ensures payment is contingent upon presenting documents compliant with the LC's terms. A fundamental principle governing the LC is its autonomy from the underlying contract, meaning the bank's obligation rests solely on document verification, without engaging in the substance or validity of the principal contract. However, in various legal practices, particularly when the underlying contract is suspected of fraud, invalidity, or illegality, applying this principle faces significant challenges, potentially causing conflicts between

چکیده

اعتبار اسنادی (Letter of Credit) به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی و معتبر پرداخت در نظام تجارت بین الملل، نقش تعیین کننده‌ای در تسهیل جریان معاملات تجاری و کاهش مخاطرات و ریسک‌های ناشی از عدم اطمینان طرفین قرارداد ایفا می‌نماید. این نهاد حقوقی، با ایجاد تعهدی مستقل و قابل اتکا برای بانک صادرکننده، تضمین می‌کند که پرداخت مبلغ معامله منوط به ارائه اسناد منطبق با شرایط مندرج در اعتبارنامه خواهد بود. از جمله اصول بنیادین حاکم بر اعتبار اسنادی، اصل استقلال آن از قرارداد پایه است؛ به این معنا که تعهد بانک صرفاً مبتنی بر بررسی اسناد است و بانک نباید وارد ماهیت یا صحت قرارداد اصلی میان طرفین شود. با این حال، در رویه‌های حقوقی مختلف و به ویژه در مواردی که قرارداد پایه مشکوک به تقلب، بطلان یا غیرقانونی بودن است، اجرای این اصل با چالش‌های جدی مواجه می‌گردد که می‌تواند منجر به تعارض میان اصل استقلال و ملاحظات حقوقی و شرعی شود. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی و بهره‌گیری از روش

the autonomy principle and legal or ethical considerations. Employing a comparative approach and an analytical-descriptive methodology, this study draws on library resources and authoritative legal documents to examine the legal framework of the LC in Iranian municipal law and international legal systems. It seeks to identify and analyze convergences and divergences between these systems, particularly regarding key issues like fraud, the legitimacy of the underlying contract, and limitations on the autonomy principle, offering a comprehensive and precise depiction of the LC's legal status. The findings can provide a basis for enhancing legal frameworks and judicial practices in Iran, ensuring compliance with ethical standards while aligning with international norms, thereby strengthening legal certainty and confidence among economic actors in domestic and international markets.

Keyword: Letter of Credit, Autonomy Principle, Fraud, Underlying Contract, Iranian Municipal Law, International Law.

تحلیلی-توصیفی، ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد حقوقی معتبر، به بررسی و تحلیل ساختار حقوقی اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی می‌پردازد. این مطالعه تلاش دارد تا ضمن شناسایی و واکاوی نقاط اشتراک و افتراق میان این دو نظام، به ویژه در مواجهه با مسائل کلیدی همچون تقلب، مشروعیت قرارداد پایه و محدودیت‌های اجرایی اصل استقلال، تصویری جامع و دقیق از وضعیت حقوقی اعتبار اسنادی ارائه نماید. نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی برای توسعه و بهبود چارچوب‌های قانونی و رویه‌های قضایی در ایران فراهم آورد تا ضمن حفظ انطباق با موازین شرعی، هماهنگی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی حاصل شود و بدین ترتیب امنیت حقوقی و اعتماد فعالان اقتصادی در بازارهای داخلی و بین‌المللی ارتقاء یابد.

کلیدواژه‌ها: اعتبار اسنادی، اصل استقلال، تقلب، قرارداد پایه، حقوق ایران، حقوق بین‌الملل.

مقدمه

اعتبار اسنادی (Letter of Credit) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزارهای پرداخت در عرصه تجارت بین‌الملل، جایگاه ویژه‌ای در تأمین امنیت معاملات و تضمین ایفای تعهدات طرفین قراردادهای تجاری یافته است. این نهاد حقوقی با ایجاد تعهد مستقل برای بانک گشاینده اعتبار نسبت به پرداخت وجه به ذی‌نفع در قبال ارائه اسناد مقرر، موجبات اطمینان خاطر طرفین معامله، به‌ویژه فروشندگان در معاملات فرامرزی را فراهم می‌سازد و از این طریق ریسک‌های ناشی از عدم شناخت کافی طرفین، تفاوت‌های نظام‌های حقوقی و مشکلات مربوط به اجرای تعهدات را به حداقل می‌رساند. در واقع، اعتبار اسنادی به‌واسطه ساختار حقوقی خاص خود، به عنوان حلقه واسط و مطمئن میان خریدار و فروشنده عمل می‌کند و امکان تحقق معاملات بزرگ و پیچیده را در بستر نظام اقتصادی جهانی تسهیل می‌نماید. یکی از اصول اساسی که اعتبار اسنادی بر آن استوار است، اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه می‌باشد؛ بدین معنا که تعهد بانک گشاینده اعتبار نسبت به پرداخت وجه، اصولاً مستقل از روابط حقوقی و ماهیت قرارداد اصلی میان خریدار و فروشنده تلقی می‌گردد و بانک صرفاً موظف به بررسی انطباق ظاهری اسناد ارائه‌شده با شرایط مندرج در اعتبارنامه است. این اصل که در مقررات یکنواخت اعتبارات اسنادی اتاق بازرگانی بین‌الملل (UCP ۶۰۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته، تضمین‌کننده سرعت، سهولت و اطمینان در فرآیند پرداخت‌های بین‌المللی است. با این وجود، اجرای مطلق اصل استقلال در همه موارد ممکن نبوده و در شرایط خاصی همچون وقوع تقلب آشکار یا غیرقانونی بودن قرارداد پایه، نظام‌های حقوقی مختلف با چالش‌هایی جدی مواجه می‌شوند و ضرورت مداخله بانک یا مراجع قضایی در ماهیت قرارداد اصلی مطرح می‌گردد. در این میان، بررسی تطبیقی ساختار حقوقی اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه با توجه به تفاوت‌های بنیادین در مبانی نظری، منابع حقوقی و رویه‌های اجرایی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نظام حقوقی ایران، متأثر از قواعد فقهی و موازین شرعی، در کنار قواعد حقوق مدنی و تجاری، رویکردی خاص نسبت به اعتبار اسنادی اتخاذ نموده که در برخی موارد با استانداردهای بین‌المللی و مقررات عرفی حاکم بر تجارت جهانی تفاوت‌های قابل توجهی دارد. این تفاوت‌ها به‌ویژه در حوزه تعهدات طرفین، دامنه شمول اصل استقلال، نحوه مواجهه با تقلب و بطلان قرارداد پایه و نیز نقش مراجع داور و قضایی در حل و فصل اختلافات مرتبط با اعتبار

اسنادی نمود می‌یابد. بر این اساس، مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، در پی آن است تا ضمن تبیین ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی در حقوق موضوعه ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی، تعهدات و مسئولیت‌های طرفین در هر یک از این نظام‌ها را مورد بررسی قرار دهد و تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری و اجرایی میان آن‌ها را تحلیل نماید. همچنین، این پژوهش تلاش می‌کند تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی، راهکارهایی جهت بهبود و ارتقای کارآمدی نظام حقوقی کشور در حوزه اعتبار اسنادی ارائه نماید. در راستای تحقق این اهداف، پرسش‌های اساسی زیر مورد توجه قرار گرفته است: ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی در حقوق موضوعه ایران چیست؟ تعهدات و مسئولیت‌های طرفین در هر یک از این نظام‌ها چگونه تعریف و اجرا می‌شود؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در ساختار و اجرای اعتبار اسنادی میان نظام حقوقی ایران و نظام‌های بین‌المللی وجود دارد؟ و نهایتاً چگونه می‌توان از این تفاوت‌ها و تجربیات برای اصلاح و بهبود نظام حقوقی ایران بهره‌برداری نمود؟

۱- مبانی اعتبار حقوقی دو نظام

تفاوت در مبانی اعتبار حقوقی میان حقوق ایران و حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین موضوعات درک و تحلیل تطبیقی دو نظام حقوقی است. این تفاوت‌ها به دلیل ماهیت و منابع متفاوت هر یک از این نظام‌ها، تأثیرات عمیقی بر نحوه تفسیر و اعمال قوانین و نیز تعیین حدود و چارچوب تعهدات حقوقی کشورها دارند. حقوق ایران به عنوان یک نظام حقوقی داخلی عمدتاً بر پایه اصول و مبانی اسلامی و به ویژه فقه جعفری شکل گرفته است. منابع اصلی این نظام شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل است که همگی از ریشه‌های دینی و مذهبی نشأت می‌گیرند و به نوعی بیانگر هویت فرهنگی و دینی جامعه ایران هستند. این در حالی است که حقوق بین‌الملل به عنوان یک نظام حقوقی فراملی به مجموعه‌ای از اصول و قواعدی اشاره دارد که برای تنظیم روابط میان کشورها و حتی در برخی موارد میان افراد و کشورها طراحی شده است (کریمی و رضایی، ۱۴۰۲، ص ۵۵-۷۲). حقوق ایران عمدتاً مبتنی بر شریعت اسلامی است و قوانین و مقررات آن بر اساس تفاسیر فقهی تدوین شده‌اند. این بدان معناست که مبانی و اصول اعتبار حقوقی در نظام حقوقی ایران به شدت متأثر از موازین دینی هستند و تطبیق قوانین با اصول شرعی یکی از پیش‌نیازهای اساسی اعتباردهی به آن‌ها است. در این چارچوب، هر قانون یا معاهده‌ای باید با اصول اسلامی سازگار باشد و در صورتی که مغایر با این اصول باشد، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. از این رو، شورای نگهبان به عنوان نهادی با نقش نظارتی ویژه، مسئول بررسی تطابق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی است. این مسئله باعث می‌شود تا قوانین داخلی و حتی تعهدات بین‌المللی ایران، از فیلتر نظارتی شدیدی عبور کنند که در نهایت می‌تواند منجر به محدودیت‌هایی در پذیرش تعهدات بین‌المللی و تعامل با نظام حقوق بین‌الملل شود (نعمتی، ۱۴۰۳، ص ۷۸-۹۵). از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قواعد و اصولی که به منظور تنظیم روابط میان کشورها و تضمین نظم و صلح جهانی تدوین شده‌اند، دارای منابع متفاوتی است که شامل معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و قطعنامه‌های نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد می‌باشد. اعتبار حقوقی در نظام بین‌الملل از توافق جمعی کشورها و ایجاد تعهدات مشترک ناشی می‌شود. این تعهدات به منظور تقویت همکاری‌ها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تدوین شده و کشورها موظف به رعایت آن‌ها هستند. برخلاف نظام حقوقی ایران که تأکید بر موازین شرعی و اصول مذهبی دارد، نظام حقوق بین‌الملل به دنبال ارائه راه‌حل‌های عملی و منعطف برای حل اختلافات و ایجاد نظم جهانی است که منافع جمعی کشورها را تأمین کند (صادقی و رستمی، ۱۴۰۳، ص ۴۵-۶۲). یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مبانی اعتبار حقوقی در این دو نظام، مفهوم حاکمیت ملی و استقلال کشورها است. در حقوق ایران، اصل حاکمیت ملی به عنوان یک قاعده اساسی تلقی می‌شود که به واسطه آن قوانین و مقررات داخلی نسبت به هرگونه قواعد و تعهدات خارجی اولویت دارند. این اصل می‌تواند پذیرش قواعد بین‌المللی را با چالش‌هایی روبرو کند، به ویژه در مواردی که تعهدات بین‌المللی با منافع ملی یا ارزش‌های مذهبی در تعارض باشند. به عنوان مثال، در مواردی که معاهدات بین‌المللی با اصول شرعی مغایرت داشته باشند، امکان رد یا عدم تصویب آن‌ها وجود دارد. در مقابل، حقوق بین‌الملل تلاش دارد تا با تدوین قواعدی الزام‌آور، تمام کشورها را به رعایت اصول مشترک و منافع جمعی ملزم کند، به طوری که حاکمیت ملی نمی‌تواند بهانه‌ای برای نادیده گرفتن این تعهدات باشد (عباسی و کریمی، ۱۴۰۲، ص ۵۵-۷۳).

به علاوه، در حقوق بین‌الملل اصل توافق و رضایت کشورها یکی از مبانی مهم اعتبار حقوقی است. هر معاهده یا توافق بین‌المللی باید با رضایت کشورهای عضو به تصویب برسد و این رضایت به عنوان مبنای اصلی تعهدات حقوقی آن‌ها محسوب می‌شود. در حقوق ایران نیز اصل رضایت مورد توجه است، اما این رضایت باید در چارچوب موازین شرعی و قانونی کشور باشد. این تفاوت در نحوه اعتباردهی به قوانین و معاهدات باعث می‌شود که گاه تفسیرها و برداشت‌های متفاوتی از یک موضوع واحد میان نظام حقوقی ایران و نظام بین‌الملل به وجود آید که در نهایت می‌تواند به تعارضات حقوقی منجر شود (نعمتی و حسینی، ۱۴۰۱، ص ۷۰-۸۷). بنابراین، تفاوت در مبانی اعتبار حقوقی میان حقوق ایران و حقوق بین‌الملل ناشی از تفاوت‌های اساسی در منابع، اهداف و نحوه تفسیر قوانین است. در حالی که حقوق ایران بر پایه موازین دینی و فرهنگی جامعه تدوین شده و به حفظ هویت ملی و مذهبی تأکید دارد، حقوق بین‌الملل به دنبال ایجاد نظم و همکاری در سطح جهانی است. این تفاوت‌ها نه تنها در تفسیر و اعمال قوانین، بلکه در تعیین حدود و چارچوب تعهدات کشورها نیز تأثیرگذار هستند و می‌توانند به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع در راه همگرایی دو نظام حقوقی به شمار آیند (حیدری، ۱۴۰۰، ص ۶۵-۸۳).

در نظام حقوقی ایران، اعتبار حقوقی اصولاً بر مبنای مبانی اسلامی-فقهی و پس از آن مبانی مدنی شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از اصول بنیادین حاکم بر اعتبار اسنادی (LC) مستقیماً یا غیرمستقیماً از قواعد فقهی اخذ شده‌اند. برای مثال، اصل «اجماع شارع» و «اطمینان خاطر تجار» (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۱) تأکید می‌شود که ابزارهای مالی مانند اعتبار اسنادی باید در چارچوب قواعد شرعی و مدنی اخذ رأی قرار گیرند. در مقابل، در حقوق بین‌الملل (نظام‌های کامن‌لا و حقوق‌های رومی-ژرمن) مبانی اعتبار حقوقی بیشتر مبتنی بر قراردادی‌گری (contractualism) و اصل «خودمختاری اراده طرفین» (autonomy of contract) است. به علاوه، در ایران همواره میان «اعتبار قراردادی» و «اعتبار شرعی» نوعی هم‌پوشانی وجود داشته و نه تنها قواعد مدنی، بلکه فتاوی فقهای بزرگ و مصوبات شورای نگهبان نیز در تبیین چارچوب اعتبار قراردادی مؤثر بوده است. برای نمونه، معاملات بر مبنای LC هرچند ماهیّتاً قراردادی هستند اما بدون کسب تضمین شرعی (مانند اخذ وثیقه یا اخذ ضمانت‌نامه‌های بانکی مطابق انتشار فتاوی شورای فقه بانک مرکزی) اعتبار کافی نخواهند داشت (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۴). ل، مبانی اعتبار حقوقی LC ناشی از قرارداد بین «گشایش‌کننده»، «ذی‌نفع» و «خریدار» بوده و ضمناً چارچوبی که UCP ۶۰۰ در سطح جهانی ارائه می‌دهد (ICC، ۲۰۰۷) مبانی فقهی یا شرعی ندارد. بلکه صرفاً اصل «اثّر مستند» (documentary principle) و اصل «استقلال اعتبار از قرارداد پایه» (independence principle) است که اعتبار اسنادی را شکل می‌دهد (ICC، ۲۰۰۷). بنابراین، مادام که در حقوق ایران هر ابزار اعتباری باید با شرع و قواعد مدنی همساز باشد، در حقوق بین‌الملل تنها «انطباق اسناد با شرایط درج‌شده در LC» ملاک عمل قرار می‌گیرد (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۲).

۲- مبانی نظری LC یا اعتبار اسنادی

اعتبار اسنادی (Letter of Credit یا LC) یکی از ابزارهای مهم در تجارت بین‌المللی است که به‌منظور تضمین پرداخت‌ها در معاملات میان طرفین به کار می‌رود. LC به‌طور گسترده توسط بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌های مالی به کار گرفته می‌شود و وظیفه اصلی آن تضمین پرداخت به ذی‌نفع (فروشنده) در صورت ارائه اسناد معتبر مطابق با شرایط و ضوابط مندرج در LC است. این ابزار به‌ویژه در معاملات بین‌المللی با اهمیت فراوانی همراه است، چراکه بانک به‌عنوان یک واسطه، نقش مهمی در ایجاد اطمینان برای طرفین معامله ایفا می‌کند (انگوتی، ۱۴۰۰، ص ۴۵-۵۰). در رابطه با ساختار و ماهیت LC می‌توان اشاره نمود که اعتبار اسنادی به‌عنوان یک ابزار مالی پیچیده، دربردارنده چندین طرف مختلف است که هرکدام نقش‌های مشخصی در فرایند اجرایی LC ایفا می‌کنند: الف) متقاضی اعتبار: LC، همان خریدار کالا یا خدمات است که برای تضمین پرداخت به فروشنده، درخواست گشایش اعتبار اسنادی را به بانک خود می‌دهد. این درخواست شامل شرایط پرداخت، اسنادی که باید ارائه شود، و همچنین دیگر جزئیات مربوط به معامله است. خریدار موظف است که منابع مالی لازم را برای پوشش LC در اختیار بانک قرار دهد (عبدالهی دادکان، ۱۴۰۲، ص ۹۰-۹۵).

ب) بانک گشایش‌کننده: بانک صادرکننده اعتبار اسنادی، همان بانکی است که LC را به درخواست خریدار گشایش می‌کند و تعهد می‌دهد که در صورت ارائه اسناد مطابق با شرایط LC توسط فروشنده، مبلغ توافق‌شده را پرداخت کند. بانک گشایش‌کننده به‌طور مستقیم با بانک فروشنده (بانک ابلاغ‌کننده) در ارتباط است و مسئولیت پرداخت مبلغ LC را بر عهده دارد.

ج) ذی نفع: ذی نفع LC، همان فروشنده کالا یا خدمات است که به واسطه این ابزار مالی، اطمینان دارد که پرداخت وجه معامله پس از ارائه اسناد معتبر، توسط بانک گشایش کننده تضمین می شود. فروشنده، پس از اجرای تعهدات قراردادی خود، اسناد مرتبط را به بانک خود ارائه می دهد و پس از تأیید، مبلغ موردنظر را دریافت می کند (مهرآرا، ۱۳۹۰، ص ۷۰-۷۵).

د) بانک ابلاغ کننده: بانک ابلاغ کننده، بانکی است که LC را از بانک گشایش کننده به فروشنده ابلاغ می کند. این بانک ممکن است صرفاً به عنوان واسطه عمل کند و نقش مستقیمی در تضمین پرداخت نداشته باشد. در برخی موارد، بانک ابلاغ کننده می تواند نقش بانک تأیید کننده را نیز داشته باشد.

ه) بانک تأیید کننده: در برخی موارد، فروشنده ممکن است به بانک گشایش کننده اعتماد کامل نداشته باشد یا بانک گشایش کننده در کشوری قرار داشته باشد که ریسک های سیاسی یا اقتصادی بالایی داشته باشد. در این حالت، بانک تأیید کننده به LC اضافه می شود و تعهد پرداخت را در صورت عدم توانایی یا ناتوانی بانک گشایش کننده بر عهده می گیرد. این امر باعث افزایش اطمینان فروشنده در دریافت وجه می شود (الوندی زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۲-۱۵).

۳- اصول بنیادین اعتبار اسنادی در حقوق بین الملل

اعتبار اسنادی (LC - Letter of Credit) یکی از ابزارهای اصلی پرداخت در تجارت بین الملل است که به واسطه تعهد یک بانک در برابر فروشنده، به شرط ارائه اسناد منطبق با شرایط قرارداد، تضمین پرداخت مبلغ معامله را فراهم می سازد. این ابزار مالی به ویژه در شرایطی که طرفین معامله با یکدیگر آشنایی کافی ندارند یا در کشورهای مختلف مستقر هستند، نقش تعیین کننده ای در کاهش ریسک های تجاری ایفا می کند (Kerr, ۲۰۱۶; خسروی، ۱۴۰۳، ص ۸). حقوق بین الملل در حوزه اعتبار اسنادی، اصولی بنیادین دارد که نقش اساسی در اجرای این ابزار مالی دارند که به شرح ذیل به آنها اشاره می گردد (شمس اله، ۱۳۹۰، ص ۵۰-۵۵).

۳-۱. اصل استقلال (Autonomy Principle):

از مهم ترین اصول حاکم بر اعتبار اسنادی، اصل استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه است؛ به این معنا که بانک، صرفاً به اسناد ارائه شده توجه می کند و وارد ماهیت یا صحت قرارداد اصلی میان خریدار و فروشنده نمی شود (Alavi, ۲۰۱۷; خسروی، ۱۴۰۳، ص ۱۰). این اصل به طور خاص در مقررات یکنواخت اعتبارات اسنادی اتاق بازرگانی بین الملل (UCP ۶۰۰) مورد تأکید قرار گرفته است (ICC, 2007, Art ۴). این اصل بیان می کند که اعتبار اسنادی مستقل از قرارداد پایه است و بانک صرفاً بر اساس اسناد ارائه شده عمل می کند، بدون اینکه به صحت یا عدم صحت قرارداد پایه توجه داشته باشد (قصری، ۱۳۹۸)؛ چنانکه UCP ۶۰۰ صراحتاً اعلام می کند «بانک ها تنها بر مبنای اسناد موثق شده تصمیم می گیرند و اعتبار حقوقی قراردادهای مربوط به اسناد را ملاک قرار نمی دهند» (ICC, 2007, Art ۴). اما در حقوق ایران، گرچه اصل استقلال پذیرفته شده است، از منظر فقهی-شرعی «غش»، «قلب» و «فساد قرارداد پایه» می تواند موجب شود بانک علاوه بر اسناد، ماهیت قرارداد را نیز مورد بررسی قرار دهد و حتی از پرداخت امتناع کند (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۳) و ایجاب می کند که هرگونه اختلال در مشروعیت قرارداد پایه، به اعتبار LC نیز سرایت کند. لذا طبق قوانین بین الملل بانک صادر کننده LC تعهد خود را مستقل از قرارداد تجاری اصلی اجرا می کند و تنها بر اساس اسناد ارائه شده توسط ذی نفع عمل می نماید. نتیجتاً اگرچه LC به عنوان تضمین پرداخت برای قراردادی خاص صادر می شود، بانک ها تنها به اسناد و شرایط مندرج در LC توجه می کنند و وارد بررسی محتوای قرارداد اصلی نمی شوند. این اصل باعث می شود که اختلافات احتمالی بین خریدار و فروشنده در قرارداد اصلی تأثیری بر تعهد بانک در پرداخت نداشته باشد.

۳-۲. اصل استناد به اسناد (Documentary Principle):

اصل اسنادی بودن LC یک ابزار مالی مبتنی بر اسناد است. به این معنا که بانک گشایش کننده تنها به اسنادی توجه می کند که توسط ذی نفع (فروشنده) ارائه شده و نیازی به بررسی وضعیت واقعی کالا یا خدمات ندارد. اسناد مرتبط با LC شامل مواردی مانند صورتحساب تجاری، بارنامه حمل، گواهی بیمه و سایر اسناد تجاری است که باید دقیقاً مطابق با شرایط مندرج در LC باشند. بانک تعهد خود را تنها در صورتی اجرا می کند که این اسناد مطابق با شرایط توافق شده باشند. اگر اسناد با شرایط LC مطابقت نداشته باشد، بانک مجاز به پرداخت نیست، حتی اگر کالا یا خدمات به درستی تحویل داده شده باشد. در حقوق بین الملل اصل مستندسازی

همراه با جزئیات دقیق حمل، بیمه، و گواهی‌ها ضرورت دارد (ICC, 2007, Art ۱۴-۱۶). بانک‌های ذی‌صلاح صرفاً بر اساس همین اسناد معتبر تعهد خود را ایفا می‌کنند و حتی اگر کالا ارسال نشده باشد یا خدمات ارائه نگردیده باشد، بانک باید پرداخت نماید (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۹۲).

۳-۳. اصل عدم مداخله (Non-Interference Principle):

UCP ۶۰۰ تصریح می‌کند که بانک نباید وارد ماهیت قرارداد پایه شود مگر در موارد آشکار تقلب اسناد (ICC, 2007, Art ۵). در صورتی که مدارک بدون ایراد باشند، پرداخت باید انجام شود (ICC, 2007, Art ۷). اما در حقوق ایران، به دلیل اینکه «مصادیق غش و ربا» در قانون مدنی و فتاوی‌ای فقهی گسترده تعریف شده‌اند، امکان ورود بانک به ماهیت قرارداد وجود دارد؛ چراکه بانک‌ها موظف‌اند از وقوع معاملات ربوی یا خلاف شرع جلوگیری کنند (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۹۲-۹۳).

۳-۴. اصل رجوع پس از پرداخت (Recourse Principle):

در حقوق بین‌الملل، اگر پس از پرداخت مشخص شود که اسناد حاوی تقلب بوده‌اند، حق رجوع علیه ضامن یا صادرکننده اعتبار اسنادی محفوظ است (ICC, 2007, Art ۹). در ایران نیز سازوکار مشابهی وجود دارد، اما رویه دادگاه‌ها و فتاوی‌ای فقهی بر این تأکید دارد که در صورت اثبات «اعمال تقلبی یا جعل اسناد»، پرداخت انجام‌شده باید باطل گردد و وجه بازگردانده شود (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۹۴).

۴- اعتبار اسنادی LC در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، ساختار حقوقی اعتبار اسنادی بر مبنای قواعد پذیرفته‌شده‌ای چون UCP ۶۰۰ شکل گرفته و توسط اتاق بازرگانی بین‌الملل (ICC) به‌روزرسانی می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این ساختار، تأکید بر اصل اسنادی بودن است؛ به این ترتیب که بانک صادرکننده LC صرفاً با بررسی اسناد و بدون توجه به صحت واقعی معامله، پرداخت را انجام می‌دهد (ICC, 2007; Alavi, ۲۰۱۷). این دیدگاه در نظام‌های حقوقی مبتنی بر کامن‌لا و نیز در رویه داورهای تجاری بین‌المللی تثبیت شده و اساساً به‌منظور تسهیل گردش تجارت و جلوگیری از توقف پرداخت‌ها به دلایل غیرمرتبط با اسناد طراحی شده است (Goroui, ۲۰۲۰). حتی در موارد تقلب، اثبات آن باید بسیار روشن و قابل احراز از روی اسناد باشد تا بتوان اصل استقلال را نقض کرد (Kerr, ۲۰۱۶).

۵- بررسی تطبیقی منابع حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل و جایگاه قانون‌گذاری ملی و بین‌المللی

تطبیق بین منابع حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل یکی از موضوعات چالش‌برانگیز و پیچیده است که به دلیل تفاوت‌های اساسی در مبانی فکری و حقوقی این دو نظام، نیازمند تحلیل دقیق و جامع می‌باشد. منابع حقوقی ایران عمدتاً شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل است که بر اساس مبانی اسلامی تدوین شده‌اند و تأکید زیادی بر حفظ هویت دینی و فرهنگی جامعه دارند. در مقابل، حقوق بین‌الملل مبتنی بر معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و تصمیمات نهادهای بین‌المللی است که هدف آن تنظیم روابط میان کشورها و ایجاد نظم و همکاری جهانی است. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که هماهنگی و تطبیق میان این دو نظام حقوقی با چالش‌هایی مواجه شود (کاظمی و رضایی، ۱۴۰۱، ص. ۶۰-۸۲). یکی از مهم‌ترین مسائل در تطبیق بین منابع حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل، تعارض میان اصول اسلامی و الزامات بین‌المللی است. در برخی از موارد، تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی ممکن است با احکام شرعی مغایرت داشته باشند که این امر می‌تواند مانعی برای پذیرش و اجرای این تعهدات در ایران باشد. به عنوان مثال، در حوزه حقوق بشر، برخی از قواعد بین‌المللی که به حقوق و آزادی‌های فردی مربوط می‌شوند، ممکن است با تفسیرهای اسلامی از حقوق و اخلاق عمومی تضاد داشته باشند. این موضوع به ویژه در مسائلی مانند حقوق زنان، آزادی بیان و حقوق اقلیت‌ها مشهود است که ایران سعی کرده است با ارائه تفسیرهای اسلامی از این حقوق، میان تعهدات بین‌المللی و اصول داخلی توازن ایجاد کند (محمدی و احمدی، ۱۴۰۲، ص. ۷۸-۹۶). از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل نیز در بسیاری از موارد به کشورها اجازه می‌دهد تا با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و دینی خود، تفاسیر خاصی از تعهدات بین‌المللی ارائه دهند. این امر به ویژه در مورد اجرای معاهدات بین‌المللی حقوق بشری مشاهده می‌شود که کشورها می‌توانند با توجه به شرایط خاص خود، نحوه اجرای تعهدات را تعیین کنند. ایران نیز از این امکان استفاده کرده

و سعی کرده است تا با حفظ اصول اسلامی، برخی از تعهدات بین المللی را در چارچوب موازین شرعی اجرا کند. این رویکرد به ایران اجازه داده است تا ضمن مشارکت در جامعه بین المللی، هویت دینی و فرهنگی خود را حفظ کند (علیزاده، ۱۴۰۳، ص ۵۰-۶۹). تطبیق بین منابع حقوقی ایران و حقوق بین الملل در حوزه هایی مانند تجارت بین المللی و محیط زیست نسبتاً موفق تر بوده است. در حوزه تجارت بین المللی، ایران تلاش کرده است تا با پذیرش استانداردها و مقررات بین المللی، زمینه های لازم برای تعاملات اقتصادی و تجاری را فراهم کند. این تعامل باعث شده است که بسیاری از مقررات بین المللی وارد نظام حقوقی ایران شوند و به عنوان بخشی از قوانین تجاری کشور مورد استفاده قرار گیرند. در حوزه محیط زیست نیز، ایران با پذیرش معاهدات بین المللی محیط زیستی و اجرای آنها، نشان داده است که تعهد به حفاظت از محیط زیست می تواند با اصول اسلامی نیز همخوانی داشته باشد و در این زمینه میان دو نظام حقوقی تطبیق بهتری ایجاد شده است (حیدری، ۱۴۰۰، ص ۶۵-۸۳). با این حال، چالش های زیادی نیز در مسیر تطبیق بین منابع حقوقی ایران و حقوق بین الملل وجود دارد. یکی از این چالش ها، تأثیر سیاسی و فشارهای بین المللی است که ممکن است بر تصمیم گیری های حقوقی ایران تأثیر بگذارد. در برخی موارد، فشارهای بین المللی برای پذیرش برخی از تعهدات که با ارزش های داخلی ایران مغایرت دارند، می تواند به تعارضات حقوقی و سیاسی منجر شود. در این شرایط، ایران معمولاً سعی می کند تا با ارائه شرط ها یا تفسیرهای محدودکننده، از پذیرش مستقیم تعهدات بین المللی اجتناب کند و در عین حال به نوعی مشارکت در جامعه بین المللی را حفظ نماید. به طور کلی، تطبیق بین منابع حقوقی ایران و حقوق بین الملل یک فرآیند پیچیده و چندلایه است که نیازمند توجه به تفاوت های فرهنگی، دینی و سیاسی میان دو نظام است. ایران تلاش کرده است تا با حفظ هویت دینی و فرهنگی خود، تا حد ممکن با قواعد و الزامات بین المللی سازگاری پیدا کند و از مزایای تعامل با جامعه بین المللی بهره مند شود. این تلاش برای ایجاد توازن میان منابع داخلی و تعهدات بین المللی می تواند به عنوان یکی از ویژگی های خاص نظام حقوقی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (نعمتی و حسینی، ۱۴۰۱، ص ۷۰-۸۷). شایان ذکر است که در سطح جهانی، عمده شکل گیری قواعد LC در ذیل UCP ۶۰۰ و کنوانسیون دانشگاهی «کنوانسیون وین» (CISG، ۱۹۸۰) صورت گرفته است. با این وجود، مقنن داخلی ایران در «قانون تجارت» و «آیین نامه اجرای اسناد بانکی» تنها به نکات بسیار کلی اکتفا کرده است.

۵-۱. منابع اصلی تأثیرگذار بر اعتبار اسنادی در حقوق ایران

در این بخش، منابع حقوقی تأثیرگذار بر اعتبار اسنادی در ایران بررسی شده و با منابع معادل در حقوق بین الملل تطبیق یافته و مورد بررسی قرار می گیرد. منابع اصلی حقوق ایران شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل است که پایه و اساس قوانین و مقررات این کشور را تشکیل می دهند و به نوعی بازتاب دهنده ارزش های فرهنگی و دینی جامعه ایران هستند. این منابع، به ویژه قرآن و سنت، از جایگاه بسیار مهمی برخوردارند و باعث می شوند که قوانین ایران به شدت تحت تأثیر موازین اسلامی قرار گیرند. در مقایسه با حقوق بین الملل، که منابع اصلی آن شامل معاهدات بین المللی، عرف بین المللی، اصول کلی حقوقی و تصمیمات نهادهای بین المللی است، تفاوت های اساسی در مبانی و فرآیند قانون گذاری دیده می شود. حقوق بین الملل به دنبال ایجاد قواعدی جهانی برای تضمین صلح و همکاری میان کشورها است، در حالی که منابع حقوقی ایران بیشتر بر حفظ هویت دینی و تأمین منافع ملی متمرکزند. این تفاوت ها باعث می شود که هماهنگی میان حقوق داخلی ایران و تعهدات بین المللی با چالش های متعددی همراه باشد، به ویژه در مواردی که اصول اسلامی با الزامات حقوق بین الملل در تعارض قرار می گیرند. با این حال، ایران در مواردی که منابع حقوق بین الملل با اصول و ارزش های اسلامی همخوانی دارند، به دنبال استفاده از آنها در تدوین و اجرای قوانین داخلی است (مرادی و اکبری، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۱۰۳).

۵-۲. بررسی منابع حقوق موضوعه ایران

منابع حقوق موضوعه ایران شامل مجموعه ای از اصول، قواعد و مقررات است که به منظور تنظیم روابط اجتماعی و حل و فصل اختلافات تدوین شده اند. این منابع به طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: منابع شرعی و منابع قانونی. منابع شرعی، شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل، پایه های اصلی حقوق ایران را تشکیل می دهند و تأثیر عمده ای بر تدوین قوانین دارند. قرآن و سنت به عنوان منابع الهی و مقدس، نقش مهمی در تعیین قواعد شرعی ایفا می کنند و به عنوان اساس بسیاری از قوانین موضوعه ایران محسوب می شوند. اجماع، به عنوان توافق علمای دینی، و عقل، به معنای تحلیل و استنباط منطقی، نیز در تدوین قوانین شرعی مورد استفاده قرار می گیرند (محسنی و علوی، ۱۴۰۲، ص ۵۰-۶۵). علاوه بر منابع شرعی، منابع قانونی نیز در نظام حقوقی ایران نقش

کلیدی ایفا می‌کنند. قانون اساسی به عنوان بالاترین سند قانونی کشور، چارچوب کلی نظام حقوقی و سیاسی ایران را تعیین می‌کند و تمام قوانین و مقررات دیگر باید با آن سازگار باشند. قوانین عادی که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شوند، شامل قوانین مدنی، کیفری، تجاری و اداری است که به منظور تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی تدوین شده‌اند. در این میان، نقش شورای نگهبان در تطبیق قوانین مصوب مجلس با موازین شرعی و قانون اساسی بسیار حائز اهمیت است، زیرا این نهاد وظیفه دارد تا اطمینان حاصل کند که قوانین جدید با اصول اسلامی و قانون اساسی مغایرت نداشته باشند (کیانی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۲-۱۳۲). علاوه بر قوانین مصوب مجلس، آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی که توسط دولت و نهادهای اجرایی صادر می‌شوند نیز جزء منابع حقوق موضوعه ایران محسوب می‌شوند. این آیین‌نامه‌ها به منظور تفسیر و اجرای بهتر قوانین عادی تدوین می‌شوند و باید با قوانین بالادستی و قانون اساسی هماهنگ باشند. همچنین، عرف به عنوان یکی از منابع مکمل حقوق موضوعه ایران، در مواردی که قانون صریحی وجود ندارد، می‌تواند به عنوان منبع حقوقی مورد استناد قرار گیرد. عرف به معنای رویه‌ها و رفتارهایی است که در طول زمان در جامعه پذیرفته شده و به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور شناخته می‌شود (صادقی، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۹۵). منابع اصلی حقوق موضوعه ایران در زمینه اعتبار اسنادی عبارتند از:

۵-۲-۱ قانون مدنی:

— مواد ۶۲۴ تا ۷۲۳ در باب عقد ضمان (موضوع الضمان) که مبانی ضمان را تشریح می‌کند (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۱۵) اگرچه مواد مذکور درخصوص عقد ضمان هستند، اما چارچوب نظری را برای تعهدات بانکی در LC نیز ترسیم می‌کنند.

۵-۲-۲ قانون تجارت:

— در قانون تجارت در تعریف اسناد تجاری، اشاره‌ای غیرمستقیم به «اسناد بانکی قابل معامله» شده است همچنین مواد ۳۰۷ الی ۳۱۹ قانون تجارت در خصوص «چک» و «سفته» که روش‌های جایگزین برای انتقال اعتبار هستند صحبت شده که به تدریج با گسترش LC کاربرد آنها کاهش یافته است (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۱۹).

۵-۲-۳ سایر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با پول و اعتبار و بانک مرکزی:

قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲):

— در این قانون بر ممنوعیت اعمال بهره تأکید شده و سازوکاری تعریف می‌شود که بانک‌ها در صدور LC نباید مستمسک دریافت سود قرارداد شده شوند. برخی از بانک‌ها برای تأمین هزینه LC، به اخذ کارمزدهای ثابت اکتفا می‌کنند تا از شبهه ربا گریخته باشند (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۲۰).

— «دستورالعمل اجرایی اعتبار اسنادی داخلی» (۱۳۹۸) شامل جزئیاتی درباره اسناد مورد قبول، مدارک مورد نیاز و سقف تعهدات بانک است.

— «راهنمای بررسی اصالت اسناد بانکی» (۱۳۹۹) که اصولی برای تشخیص تقلب و جعل اسناد را تشریح می‌کند. در این راهنما، بانک‌های ایرانی موظف شده‌اند علاوه بر بررسی اسنادی آئین‌نامه‌ای، موارد مشکوک به ربا و یا معاملات باطل را شناسایی و از پرداخت خودداری نمایند.

نتیجتاً از مجموع این منابع، می‌توان دریافت که در ایران «قانون مدنی» و «قانون عملیات بانکی بدون ربا» به عنوان مبانی اصلی و «مصوبات بانک مرکزی» به عنوان مقررات اجرایی، چارچوب کلی اعتبار اسنادی را ترسیم کرده‌اند.

۵-۳ نقش عرف و قراردادها در تدوین قوانین ایران

نقش عرف و قراردادها در تدوین قوانین ایران از اهمیت بالایی برخوردار است، به‌ویژه به دلیل تأثیر مستقیم این دو منبع بر قوانین موضوعه و روند قانون‌گذاری. عرف، به عنوان یکی از منابع تکمیلی حقوق، به رویه‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که در طول زمان به‌صورت مستمر توسط افراد و جامعه پذیرفته شده و به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور شناخته می‌شود. در حقوق ایران، عرف به‌ویژه در مواردی که قانون صریحی وجود ندارد، به عنوان مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در حقوق مدنی و تجارت، عرف‌های موجود می‌توانند نقش مهمی در تکمیل و تفسیر قوانین ایفا کنند و به قضات کمک کنند تا در موارد خلأ قانونی، به تصمیمی عادلانه و منصفانه دست یابند (یزدانی و رستگار، ۱۴۰۱، ص ۶۵-۸۴). عرف در ایران به ویژه در حوزه‌هایی مانند حقوق قراردادها، معاملات

تجاری و حقوق خانواده تأثیر قابل توجهی دارد. در حقوق قراردادهای، بسیاری از مفاهیم و اصول قراردادی بر اساس عرف‌های تجاری و اقتصادی تدوین شده‌اند. این عرف‌ها به تنظیم روابط بین طرفین قرارداد کمک کرده و به عنوان منبعی برای تفسیر شروط و تعهدات قراردادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در واقع، بسیاری از شروط ضمنی در قراردادهای که به طور صریح ذکر نشده‌اند، بر اساس عرف و رویه‌های متداول قابل تفسیر و اجرا هستند. این موضوع به ویژه در معاملات تجاری بین‌المللی نیز مشهود است، جایی که عرف‌های بین‌المللی مانند اینکوترمز به عنوان استانداردهای پذیرفته شده در تنظیم قراردادهای به کار گرفته می‌شوند (محمدی و کریمی، ۱۴۰۲، ص ۹۱-۱۰۸). علاوه بر عرف، قراردادهای نیز نقش مهمی در تدوین قوانین ایران دارند. قراردادهای به عنوان تجلی اراده طرفین، نشان‌دهنده توافقات و تعهدات آنها هستند و در بسیاری از موارد، می‌توانند منبعی برای تدوین قوانین جدید باشند. به ویژه در حوزه حقوق خصوصی، قراردادهای به عنوان ابزارهای تنظیم روابط حقوقی بین افراد، تأثیر زیادی بر توسعه و تکمیل قوانین مدنی داشته‌اند. قانون‌گذار با مطالعه و تحلیل قراردادهای منعقد شده میان افراد و مشاهده نیازها و مشکلات موجود، می‌تواند قوانین جدیدی را وضع کرده یا قوانین موجود را اصلاح کند تا نیازهای جامعه به صورت بهتر برآورده شود (حسینی، ۱۴۰۰، ص ۷۳-۹۰). نکته مهم دیگر در نقش عرف و قراردادهای در تدوین قوانین ایران، تطبیق این دو منبع با موازین شرعی است. در ایران، هرچند عرف و قراردادهای می‌توانند به عنوان منابع حقوقی مورد استفاده قرار گیرند، اما باید با اصول اسلامی سازگار باشند. به همین دلیل، شورای نگهبان وظیفه نظارت بر تطابق قوانین و مقررات با موازین شرعی را بر عهده دارد. در مواردی که عرف یا شروط قراردادی با اصول فقهی مغایرت داشته باشد، نمی‌توان آن را به عنوان مبنای حقوقی به رسمیت شناخت. این مسئله باعث می‌شود که نظام حقوقی ایران، در عین پذیرش نقش عرف و قراردادهای، همواره به دنبال حفظ توازن میان ارزش‌های دینی و نیازهای عملی جامعه باشد (عباسی و رضوی، ۱۴۰۳، ص ۵۵-۷۲). نقش عرف و قراردادهای در تدوین قوانین ایران همچنین به توسعه حقوق اقتصادی و تجاری کمک شایانی کرده است. با توجه به پیچیدگی و پویایی روابط اقتصادی و تجاری، قانون‌گذار نیازمند آن است که به تغییرات و نیازهای روز جامعه پاسخ دهد. عرف‌های تجاری و رویه‌های قراردادی به عنوان انعکاس‌دهنده تجربیات و نیازهای عملی بازرگانان و فعالان اقتصادی، به قانون‌گذار کمک می‌کنند تا قوانین مناسب و کارآمدی را تدوین کند. این نقش به ویژه در حوزه‌هایی مانند تنظیم قراردادهای فروش، حمل و نقل، بیمه و سرمایه‌گذاری خارجی بسیار پررنگ است (جعفری، ۱۴۰۲، ص ۶۲-۷۸). به طور کلی، نقش عرف و قراردادهای در تدوین قوانین ایران، نمایانگر اهمیت تجربه‌های عملی و نیازهای جامعه در توسعه نظام حقوقی کشور است. این دو منبع، در کنار سایر منابع حقوقی، به قانون‌گذار کمک می‌کنند تا نظام حقوقی ایران را به نحوی تدوین کند که همگام با تحولات اجتماعی و اقتصادی باشد و نیازهای جامعه را به بهترین شکل برآورده سازد. با این حال، تمامی این فرایندها باید در چارچوب موازین شرعی انجام شوند تا ضمن پاسخگویی به نیازهای روز، هویت دینی و فرهنگی کشور نیز حفظ شود (کاظمی و احمدی، ۱۴۰۱، ص ۸۰-۹۶). فلذا با وجود استفاده از منابع فقهی و مدنی، «عرف تجاری» در ایران نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. برخی مفاهیم LC بر پایه عرف بانکی ایران شکل گرفته‌اند؛ از جمله:

۱. نظام «تضمین پرداخت کارمزد ثابت» به جای بهره با بانکداری بدون ربا شکل گرفته است.
 ۲. رویه «بررسی اسناد توسط شعب مکمل» در بانک‌های بزرگ: اغلب شعبه‌ها برای جلوگیری از جعل و خطای سیستمی، اسناد LC را به شعب ویژه بررسی اسناد ارجاع می‌دهند. این عرف از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ رایج شد و کمابیش انطباق با اصل «Documentary Principle» دارد (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۲۹-۳۰).
 ۳. شرط عدم مغایرت با فتاوی: بسیاری از بانک‌ها در قرارداد LC خود قید کرده‌اند که «هرگونه مفاد قرارداد پایه باید پیش از صدور LC طی فرآیند شرعی و قانونی تأیید شود»؛ این قید در عرف بانکی نهادینه شده و تبدیل به بخشی از «شرایط عمومی پذیرش درخواست LC» شده است.
- از این رو، در تدوین مقررات داخلی به صورت رسمی یا عرفی، «ترکیب سه گانه شرع، قانون مدنی/تجارت و عرف بانکی» همواره مدنظر بوده و موارد اختلافی عمدتاً با قید «عدم مغایرت با شرع» حل و فصل می‌شوند.

۶- اعتبار اسنادی LC در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، اعتبار اسنادی به رغم عدم تصریح در قوانین مدون، بر پایه اصول حقوق مدنی، مفاهیم فقهی و نیز دستورالعمل‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۲۹). برای نمونه، برخی

قواعد ناظر بر عقد ضمان در قانون مدنی، به صورت غیرمستقیم در تحلیل حقوقی اعتبار اسنادی نیز کاربرد دارد (قانون مدنی، ماده ۶۹۸؛ خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۳۱). از سویی دیگر، مراجع فقهی با استناد به اصولی همچون لزوم پرهیز از غرر و ربا، تأکید دارند که ساختار اعتبار اسنادی باید با موازین شرع منطبق باشد (مومن آبادی، ۱۳۹۹). به همین دلیل، در ایران برخلاف بسیاری از نظام‌های بین‌المللی، مشروعیت قرارداد پایه می‌تواند بر صحت اعتبار اسنادی تأثیر بگذارد (رضایی، ۱۴۰۰؛ خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۳۳).

۶-۱. تأثیر منابع اسلامی بر جایگاه حقوقی LC در ایران

در ایران، منابع اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) از منظر شورای نگهبان و مراجع فقهی بر تمامی قوانین اولویت دارند. در حوزه اعتبار اسنادی به منابع ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱- فتاوا: نظیر فتاوی آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی (ره) مبنی بر «عدم جواز صدور LC برای کالاهای و خدمات حرام» (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۲۴) فلذا بایستی از صدور LC برای معاملات مشکوک به نقض موازین شرعی خودداری کنند.

همچنین فتاوی خزانه‌داری کل کشور و شورای فقهی بانک مرکزی که در سال ۱۳۹۷ به اهتمام ایشان مجموعه‌ای از ضوابط شرعی برای LC داخلی تدوین شد که بر موارد زیر تأکید داشته است:

الف) ممنوعیت وجه التزام در صورت تأخیر: هرگونه شرط پرداخت جریمه برای تأخیر در ارائه اسناد یا صدور LC خلاف شرع اعلام شده است.

ب) تضمین شرعی: اغلب بانک‌ها موظف شده‌اند علاوه بر تضمین قراردادی، وثیقه بانکی یا سفته دریافت نمایند که از نظر فقهی «بیع وثیقه» محسوب نشود (خسروی، ۱۴۰۳، ص. ۲۵). فلذا ماهیت LC در ایران نه صرفاً یک «تعهد قراردادی بین دو شخص» بلکه «ابزار تضمین اجرای تعهد تحت نظارت شرعی» است که این امر موجب شده است تا بانک‌ها در بسیاری از موارد، قبل از قبول اسناد، «استشارات فقهی» انجام دهند تا از بروز شبهات شرعی جلوگیری نمایند.

نتیجتاً با وجود برخی نقاط اشتراک (مانند تکیه بر اسناد و اصل استقلال)، تفاوت عمده در اعتبار بخشی نسبت به اسناد اعتباری «عمق ورود فقه و شرع در نظام داخلی» در برابر «عدم ورود هرگونه مبانی مذهبی» در حقوق بین‌الملل است.

۶-۲. تأثیر منابع فقهی در پذیرش یا رد معاهدات بین‌المللی

تأثیر منابع فقهی در پذیرش یا رد معاهدات بین‌المللی یکی از ابعاد اساسی در نظام حقوقی ایران است که به دلیل تکیه این نظام بر اصول و مبانی اسلامی، نقش بسیار مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی کشور ایفا می‌کند. منابع فقهی شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل هستند که به عنوان چارچوب‌های شرعی، مبنای ارزیابی معاهدات بین‌المللی قرار می‌گیرند. در ایران، هر معاهده‌ای که به امضای مقامات کشور برسد، باید با موازین فقهی و اصول اسلامی سازگار باشد و این امر به یکی از موانع یا چالش‌های اصلی در پذیرش معاهدات بین‌المللی تبدیل شده است (صادقی و موسوی، ۱۴۰۱، ص. ۴۸-۶۶). در فرآیند پذیرش معاهدات بین‌المللی، شورای نگهبان نقش اساسی در بررسی تطابق این معاهدات با اصول فقهی و قانون اساسی ایفا می‌کند. این شورا که متشکل از فقهای اسلامی و حقوقدانان است، وظیفه دارد که تمامی قوانین و معاهدات مصوب مجلس شورای اسلامی را از نظر شرعی و قانونی بررسی کند. در صورتی که یک معاهده بین‌المللی با موازین فقهی مغایرت داشته باشد، شورای نگهبان می‌تواند از تصویب آن جلوگیری کند. به عنوان مثال، معاهداتی که حقوق یا آزادی‌هایی را به رسمیت بشناسند که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض باشند، ممکن است از سوی این نهاد رد شوند (زارع و داوودی، ۱۴۰۲، ص. ۶۳-۸۱). تأثیر منابع فقهی در پذیرش معاهدات بین‌المللی به ویژه در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر، حقوق زنان، و برخی از مسائل اقتصادی و مالی به وضوح قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، در حوزه حقوق بشر، بسیاری از معاهدات بین‌المللی که حقوق و آزادی‌های فردی گسترده‌ای را به رسمیت می‌شناسند، ممکن است با تفاسیر فقهی در ایران همخوانی نداشته باشند. در این موارد، ایران سعی می‌کند با ارائه تفسیرهای اسلامی و شرط‌گذاری‌های خاص، معاهدات را به نحوی بپذیرد که با اصول دینی کشور سازگار باشد. این رویکرد به ایران اجازه می‌دهد تا ضمن مشارکت در جامعه بین‌المللی، هویت دینی و فرهنگی خود را حفظ کند (عباسی و رضوی، ۱۴۰۳، ص. ۵۵-۷۲). علاوه بر تأثیر منابع فقهی بر پذیرش معاهدات، این منابع می‌توانند منجر به رد برخی از معاهدات بین‌المللی نیز شوند. در برخی موارد، تعهدات بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند مقررات مالی، بیمه و سرمایه‌گذاری، ممکن است با اصول فقهی مرتبط با ربا و معاملات شرعی مغایرت داشته باشند. در این شرایط، ایران ممکن است از پذیرش این معاهدات خودداری کند یا با ارائه تفاسیر خاص، تلاش کند تا معاهده

را با اصول شرعی هماهنگ سازد. این چالش‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق منابع فقهی بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی ایران است و بیانگر تلاش کشور برای حفظ تعادل میان تعاملات بین‌المللی و حفظ موازین شرعی است (محمدی، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۹۰). از سوی دیگر، تأثیر منابع فقهی در پذیرش معاهدات بین‌المللی می‌تواند به فرصت‌هایی نیز منجر شود که از طریق آنها ایران بتواند نقش فعال‌تری در جامعه بین‌المللی ایفا کند. به عنوان مثال، برخی از معاهدات بین‌المللی که بر ارزش‌های مشترک انسانی مانند حمایت از محیط زیست، حقوق کودکان و مبارزه با قاچاق انسان تأکید دارند، به دلیل همخوانی با اصول فقهی، به راحتی توسط ایران پذیرفته شده و اجرا می‌شوند. این همخوانی می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در صحنه بین‌المللی و افزایش همکاری‌ها با سایر کشورها کمک کند (حسینی و امینی، ۱۴۰۲، ص ۵۰-۶۸). به طور کلی، تأثیر منابع فقهی بر پذیرش یا رد معاهدات بین‌المللی در ایران نشان‌دهنده اهمیت و نقش اساسی دین در تصمیم‌گیری‌های حقوقی و بین‌المللی کشور است. این تأثیر باعث می‌شود که نظام حقوقی ایران در مواجهه با تعهدات بین‌المللی، همیشه به دنبال ایجاد توازن میان اصول دینی و الزامات بین‌المللی باشد. این توازن جویی، ضمن حفظ هویت دینی، ایران را قادر می‌سازد که در تعامل با جامعه بین‌المللی باقی بماند و از مزایای همکاری‌های بین‌المللی بهره‌مند شود (عابدی و کریمی، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۱۰۱). مراجع فقهی و شورای نگهبان بارها تصریح کرده‌اند که اگر مفاد معاهده یا کنوانسیون بین‌المللی (مثلاً CISG یا پروتکل الحاقی به UCP ۶۰۰) با احکام شرعی مغایرت داشته باشد، «مشروعیت» باید مقدم دانسته شود. به عنوان نمونه: در سال ۱۳۹۵ شورای فقهی بانک مرکزی اعلام کرد هرگونه «اعتبار اسنادی ارزشی (confirmed LC) برای کالاهای ممنوعه شرعی» مانند مشروبات الکلی یا داروهای مخدر، قطعی باطل است (اطلاعیه شماره ۲۶۰۸۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، الزامات ناظر بر فرآیند اعتبار اسنادی داخلی ریالی). کمیته مشترک حقوقی وزارت امور خارجه و بانک مرکزی بررسی کرد که «آیا پذیرش صریح UCP ۶۰۰ به معنای پذیرش تمام مفاد LC‌های بین‌المللی است که ممکن است حاوی مواد ربوی باشد؟» این کمیته نتیجه گرفت که «ایران می‌تواند صرفاً بخش‌های غیرمخالف شریعت UCP ۶۰۰ را اجرا کند و در موارد اختلاف، عطف بماسبق نگردد».

بنابراین، منابع فقهی عملاً «حق و تو» در اعمال هر قاعده بین‌المللی را برای نظام داخلی قائل شده‌اند. این امر موجب شده هنگام بروز اختلاف در قرارداد LC، بیش از رویه معمول بین‌المللی، امکان استناد به «مغالطات شرعی» نیز وجود داشته باشد.

۳-۶ تأثیر عرف بین‌المللی

تأثیر عرف‌های بین‌المللی بر قوانین داخلی ایران یکی از جنبه‌های مهم در مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل است. عرف‌های بین‌المللی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل نقش مهمی در توسعه و تنظیم روابط بین‌المللی دارند. عرف‌های بین‌المللی به مجموعه قواعد و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که در طول زمان به صورت مستمر توسط کشورها رعایت شده و به عنوان قاعده الزام‌آور شناخته شده‌اند. این قواعد به دلیل پذیرش گسترده و تکرار مداوم، تبدیل به الزاماتی می‌شوند که حتی کشورهایی که به طور مستقیم آنها را تصویب نکرده‌اند، موظف به رعایت آنها هستند. در نظام حقوقی ایران، تعامل با عرف‌های بین‌المللی چالش‌های مختلفی را به همراه دارد که عمدتاً ناشی از تفاوت در منابع حقوقی و مبانی اعتقادی دو نظام است. عرف‌های بین‌المللی می‌توانند از طریق تأثیرگذاری بر فرآیند قانون‌گذاری، تفسیر قوانین موجود، و یا تدوین رویه‌های جدید وارد نظام حقوقی داخلی شوند. در ایران، پذیرش و اجرای عرف‌های بین‌المللی بستگی به میزان انطباق آنها با مبانی شرعی و قانون اساسی کشور دارد. شورای نگهبان به عنوان نهاد نظارتی در ایران، وظیفه بررسی و انطباق قوانین و مقررات بین‌المللی با شریعت اسلامی و قانون اساسی را دارد. به همین دلیل، اگر عرف‌های بین‌المللی با مبانی شرعی در تضاد باشند، احتمالاً مورد پذیرش قرار نخواهند گرفت. این امر باعث می‌شود که ایران در پذیرش برخی از عرف‌های بین‌المللی، به‌ویژه آنهایی که با اصول اسلامی مغایرت دارند، محدودیت داشته باشد. با این حال، عرف‌های بین‌المللی در برخی زمینه‌ها توانسته‌اند بر نظام حقوقی ایران تأثیر بگذارند و به تدریج وارد قوانین داخلی شوند. یکی از مثال‌های بارز این موضوع، حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی است (محمدی، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۹۰). ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو کنوانسیون‌های ژنو، بسیاری از قواعد عرفی حقوق بشردوستانه را پذیرفته و در قوانین داخلی خود اجرا می‌کند. این پذیرش به دلیل تأکید این عرف‌ها بر ارزش‌های انسانی و حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، با اصول اخلاقی و انسانی که در اسلام نیز مورد تأکید است، هماهنگی دارد. بنابراین، در مواردی که عرف‌های بین‌المللی با ارزش‌ها و اصول اسلامی همسو باشند، احتمال پذیرش و اجرای آنها در ایران بیشتر است. از سوی دیگر، در حوزه‌های اقتصادی و تجاری نیز عرف‌های بین‌المللی

توانسته‌اند بر قوانین و مقررات داخلی ایران تأثیر بگذارند. با توجه به افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی ایران با سایر کشورها، ضرورت هماهنگی با قواعد و استانداردهای بین‌المللی در این حوزه احساس می‌شود. به عنوان مثال، در حقوق تجاری بین‌الملل، عرف‌هایی مانند رویه‌های بانکی استاندارد و مقررات حاکم بر اعتبار اسنادی به تدریج وارد نظام حقوقی ایران شده و در معاملات بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تأثیرپذیری به دلیل نیاز به تسهیل تجارت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین حفظ منافع اقتصادی کشور است. اما یکی از چالش‌های اصلی در پذیرش عرف‌های بین‌المللی در ایران، تفاوت در مبانی حقوقی و فرهنگی است. بسیاری از عرف‌های بین‌المللی بر اساس رویه‌ها و ارزش‌های کشورهای غربی شکل گرفته‌اند که ممکن است با فرهنگ و مبانی دینی ایران همخوانی نداشته باشند (حسینی و امینی، ۱۴۰۲، ص ۵۰-۶۸). این تفاوت‌ها باعث می‌شود که ایران در پذیرش برخی عرف‌های بین‌المللی با چالش‌های جدی مواجه شود. به عنوان مثال، در حوزه حقوق بشر، بسیاری از قواعد عرفی که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند، ممکن است با تفسیرهای فقهی و ارزش‌های اسلامی در تضاد باشند و به همین دلیل مورد پذیرش قرار نگیرند. با این وجود، ایران به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی نمی‌تواند به کلی از تأثیر عرف‌های بین‌المللی مصون بماند. حضور در مجامع بین‌المللی و مشارکت در توافقات چندجانبه باعث می‌شود که ایران ناگزیر به تعامل با قواعد و عرف‌های بین‌المللی باشد. در این راستا، برخی از عرف‌ها به دلیل تأثیرات مثبت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به تدریج مورد پذیرش قرار گرفته و به عنوان بخشی از قوانین داخلی ایران اجرا می‌شوند. این تعامل در عین حال که می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی کمک کند، نیازمند توازن میان حفظ هویت ملی و دینی و پذیرش قواعد بین‌المللی است. در نتیجه، تأثیر عرف‌های بین‌المللی بر قوانین داخلی ایران به میزان زیادی وابسته به همخوانی آنها با اصول و مبانی دینی و قانونی کشور است. اگرچه ایران در برخی زمینه‌ها مانند حقوق بشردوستانه و حقوق تجاری توانسته از عرف‌های بین‌المللی بهره‌مند شود، اما در حوزه‌هایی که این عرف‌ها با ارزش‌ها و مبانی داخلی در تضاد هستند، پذیرش آنها با چالش‌هایی همراه است. این وضعیت نشان‌دهنده نیاز به یک رویکرد تعاملی و متوازن در مواجهه با عرف‌های بین‌المللی است تا ایران بتواند در عین حفظ هویت خود، از مزایای تعامل با جامعه بین‌المللی نیز بهره‌مند شود (عابدی و کریمی، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۱۰۱).

لازم به ذکر است با گسترش تجارت بین‌المللی و عضویت ایران در اتاق بازرگانی بین‌الملل، بسیاری از قواعد عرفی (Customary Rules) تدوین شده در UCP ۶۰۰ به صورت غیررسمی یا رسمی در داخل ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. برای مثال، اصول «ارزش مطلق اسناد» و «زمان‌بندی دقیق ارائه اسناد» در LC، به میان تجارت و بانک‌های ایرانی راه یافته و حتی در بخشنامه‌های بانک مرکزی ایران به‌طور ضمنی به آنها اشاره شده است (مرکزی بانک، ۱۴۰۰). اما از آنجا که «عرف بین‌المللی» ممکن است در مواردی با «ضوابط شرعی» تعارض داشته باشد. برای مثال در برخی موارد بانک‌های ایرانی یا از اجرای کامل عرف بین‌الملل امتناع کرده یا مقررات داخلی را بر عرف بین‌الملل مقدم می‌شمارند. برای نمونه، وقتی عرف بین‌الملل «تطابق صرف اسناد حمل» را برای پرداخت کافی می‌داند، بانک ایرانی ممکن است «گذراندن بررسی شرعی» را نیز شرط کند (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۵). لازم به ذکر است با تصویب «قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک درباره شناسایی و اجرای احکام دآوری خارجی» (۱۳۹۷) و «قانون تجارت بین‌الملل» (۱۳۷۶)، ایران عملاً گام‌هایی در جهت پذیرش اجرای بخشی از احکام بین‌المللی برداشته است. اما در زمینه اعتبار اسنادی، هنوز قانونی مستقل تدوین نشده و حداقل دو مشکل اساسی وجود دارد:

۱. عدم انطباق کامل با فقه:

بسیاری از احکام UCP ۶۰۰ در خصوص رفع اختلافات مالی به قدری پیشرفته هستند که بانک‌های ایرانی برای اجرای آنها نیازمند اطمینان از مشروعیت قرارداد پایه مطابق فقه‌اند (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۶).

۲. محدودیت صلاحیت مراجع دآوری خارجی:

علی‌رغم امکان ارجاع اختلافات LC به دآوری بین‌المللی، در حقوق ایران به دلیل شرط «عدم مغایرت با شرع»، ممکن است رأی دآوری پذیرفته نشود یا لازم‌الاجرا نگردد مگر اینکه نهایتاً شورای نگهبان آن را تأیید کند (خسروی، ۱۴۰۳، ص ۹۶). لذا اولویت بخشی به مقررات داخلی نسبت به احکام بین‌المللی (از حیث پیش‌بینی جزئیات تخصصی LC) سبب شده اعتبار حقوقی برخی از نسخه‌های UCP ۶۰۰ در ایران با دشواری اعمال شود.

نتایج

در این مقاله، چارچوب تطبیقی اعتبار اسنادی (LC) در نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان می‌دهد که علی‌رغم پذیرش اصول بنیادین نظیر اصل استقلال و اصل استناد صرف به اسناد در هر دو نظام، تفاوت‌هایی اساسی در دامنه تفسیر و استثنائات این اصول وجود دارد. همچنین، امکان رجوع به اعتبار اسنادی پس از وقوع تقلب در اسناد در هر دو نظام به رسمیت شناخته شده است، اما نحوه اثبات و میزان تأثیر آن در هر نظام متفاوت است. در حوزه مبانی حقوقی، حقوق بین الملل بر مبنای قراردادی و عرفی استوار است، در حالی که در نظام حقوقی ایران مبانی شرعی و فقهی در رأس قرار داشته و پس از آن مبانی مدنی مورد توجه است. این تفاوت موجب شده است که تعارض با موازین شرعی در ایران به عنوان مجوز امتناع بانک از پرداخت اعتبار اسنادی تلقی شود، در حالی که چنین استثنایی در حقوق بین الملل وجود ندارد. از سوی دیگر، مراجع تفسیر اعتبار اسنادی در حقوق بین الملل عمدتاً اتاق بازرگانی بین الملل و هیئت‌های داوری مرتبط هستند، اما در ایران علاوه بر بانک مرکزی، مراجع شرعی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر و تطبیق مقررات UCP ۶۰۰ ایفا می‌کنند. همچنین، منابع حقوقی مؤثر در تدوین و اجرای اعتبار اسنادی در ایران شامل فقه، قانون مدنی و قانون عملیات بانکی بدون ربا و عرف بانکی است، حال آنکه در حقوق بین الملل صرفاً عرف بانکی جهانی مبتنی بر UCP ۶۰۰ و CISG حاکم است. از منظر حقوق بشر و آزادی اقتصادی، هر دو نظام بر تسهیل تجارت و حمایت از حقوق بشر تأکید دارند، لیکن در ایران اولویت با موازین شرعی و مصالح ملی است و در حقوق بین الملل آزادی اقتصادی مطلق حاکمیت دارد. به طور کلی، این مقایسه نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های ایران برای همسویی با قواعد بین المللی، جایگاه ممتاز شرع در قانون اساسی ایجاب می‌کند که اصول اعتبار اسنادی همواره با موازین شرعی منطبق باشند. بر این اساس، تدوین قانون مستقل اعتبار اسنادی در ایران که اصول UCP ۶۰۰ را به صراحت پذیرفته و مشروط به ارزیابی شرعی پیش از صدور باشد، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، تقویت ساختار داوری داخلی و بین المللی در این حوزه برای حل اختلافات به گونه‌ای که هم تکلیف شرعی مشخص گردد و هم مطابق عرف بین المللی اختلافات به سرعت خاتمه یابد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، آموزش تخصصی بانک‌ها و تجار در خصوص موازین شرعی اعتبار اسنادی و تطبیق آن با UCP ۶۰۰ می‌تواند به کاهش خطر جعل و تقلب اسناد و افزایش اعتماد به ساختار مالی منجر شود. اتخاذ این راهکارها می‌تواند به تدریج اعتبار اعتبار اسنادی در بازار داخلی را به سطح اعتبار بین المللی نزدیک ساخته و فرآیند تجارت را برای فعالان اقتصادی تسهیل نماید.

پیشنهادهای:

در نهایت، این پژوهش حاکی از آن است که آگاهی از تفاوت‌های حقوقی اعتبار اسنادی در ایران و حقوق بین الملل نه تنها برای فعالان تجاری، بلکه برای بانک‌ها، نهادهای مالی، و قانون‌گذاران نیز اهمیت بسیاری دارد. بانک‌ها و نهادهای مالی باید بتوانند با ارائه خدمات متناسب با نیازهای مشتریان، به آنها در انتخاب بهترین ابزار مالی کمک کنند. قانون‌گذاران نیز با در نظر گرفتن نیازهای تجاری و حقوقی کشور، می‌توانند مقرراتی را تدوین کنند که امکان استفاده بهینه از این ابزارها را فراهم سازد و به توسعه تجارت داخلی و بین المللی کمک کند. به طور کلی، پیام اصلی این تحقیق بر اهمیت شناخت دقیق و تخصصی ابزارهای حقوقی و مالی و انتخاب آگاهانه آنها برای تأمین منافع طرفین و کاهش ریسک‌های تجاری تأکید دارد. در این راستا به توجه به یافته‌های این پژوهش، ضرورت تدوین قانونی مستقل و جامع در زمینه اعتبار اسنادی در ایران احساس می‌شود که ضمن رعایت موازین شرعی، همسویی کامل با استانداردهای بین المللی از جمله مقررات UCP 600 را فراهم آورد. این قانون باید مقررات مشخصی برای مواجهه با موارد تقلب، بطلان قرارداد پایه و سایر چالش‌های اجرایی اعتبار اسنادی پیش‌بینی نماید. همچنین تقویت سازوکارهای داوری تخصصی، به‌ویژه تشکیل هیئت‌های داوری متشکل از حقوقدانان بین المللی و فقهای شرعی، می‌تواند نقش مؤثری در حل و فصل اختلافات مرتبط با اعتبار اسنادی ایفا کند. آموزش تخصصی قضات، کارشناسان بانکی و فعالان اقتصادی در زمینه تطبیق اسناد با مقررات بین المللی و موازین شرعی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین و هوش مصنوعی در فرآیند صدور و بررسی اسناد، به کاهش تقلب و تسریع روند اجرایی کمک شایانی خواهد کرد. در شرایط تحریم‌های بین المللی، بررسی تأثیرات این محدودیت‌ها بر گشایش و اجرای اعتبارات اسنادی و ارائه راهکارهای جایگزین، از جمله استفاده از ارزهای دیجیتال یا پیمان‌های پولی دوجانبه، ضروری است. علاوه بر این، طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی برای ارتقاء دانش حقوقی و بانکی فعالان اقتصادی و انتشار راهنماهای عملی جهت کاهش خطاها و سوءاستفاده‌ها در فرآیند اعتبار اسنادی، می‌تواند به افزایش امنیت حقوقی

و تسهیل تجارت بین‌المللی کمک نماید. در نهایت، انجام مطالعات و پژوهش‌های تکمیلی در زمینه ارتباط اعتبار اسنادی با سایر نهادهای حقوقی مشابه و بررسی تأثیر آن بر توسعه تجارت داخلی و بین‌المللی ایران، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود مستمر این نهاد حقوقی باشد.

پیشنهادهای تحقیقاتی:

بررسی رابطه بین حجم گشایش اعتبارات اسنادی و ریسکهای تجاری در بازار ایران با استفاده از مدلهای رگرسیون غیرخطی
تحلیل تطبیقی انتقال اعتبار اسنادی با نهادهای حقوقی مشابه مانند انتقال طلب یا تبدیل تعهد در حقوق ایران

منابع

- ۱) ابراهیم پور کومله، محمد؛ و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل تطبیقی ضمانت اجرای بانکی در حقوق ایران و مقررات بین‌المللی». مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲(۳)
- ۲) رشیدی و همکاران، (۱۴۰۱). «تحلیل تطبیقی LC و ضمان در حقوق ایران». مجله حقوق خصوصی، ۱۰(۲)
- ۳) شاه‌نوش فروشانی، علی (۱۴۰۲). «تحلیل فقهی و حقوقی عقد ضمان». مجله فقه و حقوق اسلامی، ۷(۱)
- ۴) شمس‌اله، علی (۱۳۹۰). «اصول بنیادین اعتبار اسنادی». فصلنامه حقوق بانکی، ۲(۲)
- ۵) عابدی و کریمی، (۱۴۰۱). «نقش عرف و منابع فقهی در تدوین قوانین ایران». مجله حقوق اسلامی، ۵(۴)
- ۶) عزیزاده، (۱۴۰۳). «تطبیق منابع حقوق ایران و حقوق بین‌الملل». مجله حقوق تطبیقی، ۱۴(۲)
- ۷) محمدی، (۱۴۰۰). «پذیرش عرف‌های بین‌المللی در حقوق ایران». مجله حقوق بین‌الملل، ۸(۲)
- ۸) محمدی و احمدی، (۱۴۰۲). «چالش‌های تطبیق معاهدات بین‌المللی با حقوق داخلی ایران». مجله حقوق تطبیقی، ۱۵(۱)
- ۹) مرادی و اکبری، (۱۴۰۱). «بررسی منابع حقوق موضوعه ایران». مجله مطالعات حقوقی، ۹(۳)
- ۱۰) مومن‌آبادی، طاهره (۱۳۹۹). «چالش‌های تطبیق UCP ۶۰۰ با مقررات شرعی در ایران». مجله پژوهش‌های فقهی-حقوقی بانکداری اسلامی، ۴(۱)
- ۱۱) محسنی و علوی، (۱۴۰۲). «نقش منابع شرعی در تدوین قوانین ایران». مجله حقوق اسلامی، ۱۲(۲)
- ۱۲) انگوتی، رضا (۱۴۰۰). «بررسی نقش بانک‌ها در اعتبار اسنادی». فصلنامه حقوق تجارت، ۴(۱)
- ۱۳) نعمتی، (۱۴۰۳). «مبانی اعتبار حقوقی در حقوق ایران». فصلنامه حقوق تطبیقی، ۱۵(۳)
- ۱۴) نعمتی و حسینی، (۱۴۰۱). «تعارض منابع حقوق ایران و حقوق بین‌الملل». مجله حقوق تطبیقی، ۱۳(۲)
- ۱۵) زارع و داوودی، (۱۴۰۲). «نقش شورای نگهبان در پذیرش معاهدات بین‌المللی». مجله حقوق اساسی، ۸(۲)
- ۱۶) عباسی و کریمی، (۱۴۰۲). «مبانی اعتبار حقوقی در حقوق بین‌الملل». مجله حقوق بین‌الملل، ۹(۱)
- ۱۷) عباسی و رضوی، (۱۴۰۳). «فرصت‌ها و چالش‌های پذیرش معاهدات بین‌المللی در ایران». مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۶(۲)
- ۱۸) کریمی و رضایی، (۱۴۰۲). «تطبیق منابع حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل». مجله حقوق تطبیقی، ۱۴(۱)
- ۱۹) کاظمی و رضایی، (۱۴۰۱). «تعارض منابع حقوقی ایران و حقوق بین‌الملل». مجله حقوق تطبیقی، ۱۳(۴)
- ۲۰) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی اعتبار اسنادی.
- ۲۱) قانون مدنی ایران (۱۳۰۷). تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- ۲۲) قانون تجارت ایران (۱۳۱۱). تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- ۲۳) الوندی زاده، سارا (۱۴۰۱). «بانک تأییدکننده در اعتبار اسنادی و آثار حقوقی آن». مجله حقوق خصوصی، ۶(۲)
- ۲۴) قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲).
- ۲۵) جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۸۸). «ترمیم‌ولوژی حقوق». تهران: گنج دانش.
- ۲۶) کاتوزیان، ن. (۱۳۹۰). «حقوق مدنی: عقود معین». تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۲۷) عبدالحی دادکان، محمد (۱۴۰۲). «مسئولیت‌های متقاضی اعتبار اسنادی در حقوق ایران». مجله حقوق بانکی، ۷(۱)
- ۲۸) جعفری و رستمی، (۱۴۰۱). «آزادی بیان و نظام حقوقی ایران». مجله حقوق اساسی، ۹(۲)
- ۲۹) حسینی و احمدی، (۱۴۰۲). «محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق ایران». مجله حقوق تطبیقی، ۱۳(۱)

- ۳۰) حسینی و امینی، (۱۴۰۲). «تأثیر عرف‌های بین‌المللی بر حقوق ایران». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۱(۳)
- ۳۱) خسروی، عاطفه (۱۴۰۳). مقایسه حقوقی اعتبار اسنادی با عقد ضمان در قوانین موضوعه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
- ۳۲) رضایی، صادق (۱۴۰۰). «تطبیق عرف بانکی ایران با مقررات بین‌المللی LC». نشریه حقوق تجارت الکترونیک، ۸(۳)
- 33) 31. Alavi, H. (2017). Fraud in documentary letters of credit: A comparative study of existing international legal frameworks. *Bratislava Law Review*, 1(1), 48–69.
- 34) 32. Goroui, F. (2020). The effect of illegality of the underlying contract on the documentary credit. *Journal of Law Quarterly*, 50(4).
- 35) 33. ICC (2007). *Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP600)*. International Chamber of Commerce.
- 36) 34. Kerr, J. (2016). *Letters of Credit in International Trade Law*. Cambridge University Press.